

روایتی از برگزاری مراسم عزاداری دهه اول صفر در محله کارمندان دوم

خیابانی که هر شب، حسینه می شود



راه تجربه



جدی است. بخشی از حال خوب این جمع، به همین همراهی خانوادگی برمی گردد.

فاطمه عامری دودختر دارد و جمعی از بانوان نزدیک فامیل هم هر روز از ساعت ۴ یا ۵ بعد از ظهر تا شب در حیاط جمع می شوند و در آماده سازی نذری ها کمک می کنند. می گوید: این مراسم خودش شده یک صله رحم زیبا؛ بهانه ای که فامیل را دور هم جمع می کند.

مشارکت همسایه ها

همسایه ها هم بخشی مهم از این ماجرا هستند؛ بخشی که بدون آن ها، برگزاری چنین مراسمی به این وسعت ممکن نیست. البته طبیعی است که چالش هایی هم وجود داشته باشد. برخی از همسایه ها از شلوغی، صدای بلندگو یا رفت و آمد زیاد گلایه دارند. اما برگزارکنندگان همیشه تلاش کرده اند با احترام و تعامل، دلخوری ها را به حداقل برسانند و رضایت همه را جلب کنند.

در این میان، بسیاری از همسایه ها نه تنها گلایه ای ندارند، بلکه خودشان پایه پای دیگران در دل کارند؛ مثل احمد جعفری، دامداری که ۱۰ شب اول ماه صفر، کارش را تعطیل می کند تا تمام وقتش را صرف مراسم کند. از کارهای خدماتی گرفته تا خرید و وسایل و تمیز کردن کوچه، هر جاکاری باشد، می توانی رد او را پیدا کنی.

این مشارکت بی ادعا، از مراسمی فراتر رفته و به پیوندی محکم میان اهالی محل تبدیل شده است. هر کس به سهم خود، سنگی از زمین برمی دارد و قطعه ای از پازل بزرگ این ده شب را کامل می کند.



را همان جا برگزار می کردیم. چون باور داشتیم که اگر برای اهل بیت (ع) قدمی برداریم، خودشان راه را با ما می کنند.

مراسم باشکوه خیابانی

این هیئت خالاد یگر پا گرفته و بزرگ شده است؛ آن قدر که هر سال دهه اول صفر، یکی از شلوغ ترین مراسم منطقه را برگزار می کنند. عامری می گوید: مراسم ما به صورت منظم در دهه اول صفر به مدت ۱۰ شب برگزار می شود. از ساعت ۸:۳۰ تا حدود ۱۱ شب. از ساعت ۸:۳۰ آماده سازی ها شروع می شود و با همکاری همسایه ها و فامیل و دوستان، کوچه ها بسته و فرش ها پهن می شود. ساعت ۹ زیارت عاشورا خوانده و بعد از آن، بین ساعت ۹:۳۰ تا ۹:۴۵ سخنرانی آغاز می شود. حسین عامری درباره دلیل برگزاری این مراسم در خیابان هم می گوید: با شیوع و بیروس کرونا و جمع شدن مراسم، تصمیم گرفتیم این برنامه را به داخل کوچه منتقل کنیم. جمعیت بیشتر شد و مراسم باشکوه تر. بعد از کرونا این روند ادامه دادیم.

از شب سوم یا چهارم دهه صفر، معمولاً بیش از ۲ هزار نفر برای شرکت در مراسم و صرف غذای آیند. مهمان ها فقط از اهالی محله نیستند. خیلی ها از مناطق دورتر می آیند؛ بخش زیادی از مهمانان ما از مناطق مختلف مشهد می آیند؛ مثلاً از جاده سیمان، شهرک شهید رجایی، وکیل آباد یا حتی طبقه و شانزیز.

بهانه ای برای صله رحم

صدای همه آماری از حیاط خانه حاج حسین عامری که چند قدم آن طرف تر قرار دارد، به گوش می رسد. وارد که می شوم، وسط حیاط یک دیگ بزرگ می بینم و چند زن که دور آن ایستاده اند. فضا پر از صمیمیت است. هر کس مشغول کاری است. در میان جمع، فاطمه عامری را پیدا می کنم؛ همسر حاج حسین. چهره اش خسته به نظر نمی رسد، با اینکه ساعت هاست در رفت و آمد است. خودش می گوید: از همان روزی که تصمیم گرفتیم برای اهل بیت (ع) کاری کنیم، خستگی برایم بی معنا شد. باور کن شب ها به امید اینکه فردا صبح زود تر بیدار شوم و کارها را شروع کنم، خواب به چشمم نمی آید.

او در این مدت، کارش را از حوالی ساعت ۷ صبح شروع می کند. مستقیم می رود به زیرزمین خانه که حالا تبدیل به حسینه شده است و آماده سازی ها را آغاز می کند. وسایل را می شوید. آشپزخانه را تمیز می کند و مقدمات پذیرایی شب را می چیند.

پای صحبت هایش که می نشینی، می فهمی چقدر این مسیر برایش



نیوکعبیده محله کارمندان دوم، از قدیمی ترین محله های منطقه مشهد است؛ محله ای که رنگ و بوی مذهبی اش از گذشته تا امروز، برویگی های دیگرش سایه انداخته است. اینجا، هنوز هم پایبندی به مراسم دینی یکی از نشانه های مهم زندگی روزمره مردم است.

یکی از جلوه های پررنگ این پایبندی را می توان در شب های ماه صفر دید؛ شب هایی که اهالی خیابان شهید طالبی ۱۰ کوچه را می بندند. فرش می اندازند و بادل و جان برای برگزاری یک مراسم مذهبی بزرگ آماده می شوند. آغاز این سنت، به تصمیم حاج حسین عامری برمی گردد؛ مردی که سال هادر مناسبت های مذهبی، در خانه اش مراسم برگزار می کرد. اما از زمان شیوع کرونا تصمیم گرفت مراسم دهه صفر را به خیابان بیاورد تا در فضای باز برگزار شود و جمعیت بیشتری بتوانند در آن شرکت کنند.

حالا همه گیری کرونا رفته است، اما این رسم در محله رواج دارد. هر شب بیش از ۲ هزار نفر، نه تنها از همین محله، بلکه از گوشه و کنار شهر، خود را به این خیابان می رسانند تا در این مراسم پرشور و متفاوت شرکت کنند. همسایه ها نیز همراهی می کنند و در برگزاری هر چه بهتر این مراسم نقش دارند.

بهانه ای برای همدلی

ساعت حدود ۸ شب است و از همان ابتدای کوچه، شور و حرکت به چشم می آید. پیر و جوان، زن و مرد، حتی بچه ها هر کدام در گوشه ای از این مراسم سهمی دارند. یکی مشغول نصب بانداست، دیگری چراغ ها را روشن می کند و چند نفر دیگر با دقت و هماهنگی، فرش هایی را پهن می کنند که قرار است ساعتی بعد، جای نشستن مهمان های این مراسم باشند.

این فرش ها حالا از طرف آستان قدس تأمین شده اند. اما قدیمی ترها خوب یادشان است که در سال های اول، همسایه ها از خانه هایشان فرش می آوردند. کمی آن طرف تر، در حیاط خانه حاج حسین عامری، خانم هاسرگرم آماده کردن غذا هستند. هر کدام مشغول کاری اند؛ یکی ظرف ها را می چیند، دیگری برنج می کشد و... صدای خنده و گفت و گوهای صمیمانه نشان می دهد که تاجه اندازه غرق این فضا شده اند. انگار این مراسم فقط یک مجلس مذهبی نیست؛ بلکه بهانه ای است برای دور هم جمع شدن.

اهل بیت (ع) خودشان راهگشا هستند

وسط شلوغی و رفت و آمد، مردی را می بینم که با آستین های بالازده و صورتی عرق کرده، مشغول پهن کردن فرش هاست. چند نفر دیگر کمکش می کنند. اما آن قدر غرق کار است که انگار هیچ کس جز او مسئول این کارها نیست. بالاخره که فرش ها پهن می شود، فرصت کوتاهی برای گفت و گو پیدا می کند.

حاج حسین عامری متولد ۱۳۵۵ و بنیان گذار هیئت حضرت رقیه (س) است؛ همان کسی که حالا این روزها خیابان شهید طالبی ۱۰ با همت او و همراهی دیگران حال و هوای دیگری دارد؛ «از سال ۱۳۸۹ حسینه حضرت رقیه (س) را در خانه ام ساختم و به صورت محدود در مناسبت های مذهبی مراسم برپا می کردیم و اهالی می آمدند». آن طور که تعریف می کند، در همان سال های اولی که با خانواده اش به این محله آمده و ساخت خانه و حسینه اش کامل نشده بود، مراسم برپا می شد؛ «هنوز ساختمان کامل نشده بود. حتی درو پنجره نداشتیم؛ فقط یک طبقه را در حد سرمایه کاری آماده کرده بودیم. ولی مراسم

